

آموزش حقوق بشر دوستانه

سید مسعود نوری

عضو هیئت علمی پژوهشی دانشگاه مفید
sm_noori@mofidu.ac.ir

- قواعد کاربردی حقوقی مخاصمات مسلحانه
- آنتونی بی. وی. راجرز و پل مالرب
- کمیته ملی حقوق بشر دوستانه
- ۱۳۸۲، ۴۱۱ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰ تومان

من اینک دم دوستی می‌زنم

گر او دوست دارد و گر دشمنم
بوستان سعدی

مبانی و راهکارهای توسعه آموزشهای غیر رسمی (Nonformal Education) و آموزشهای پیوسته (Life Long Learning) به ویژه برای کارکنان بخشهای استراتژیک و مربوط به خدمات عمومی تدوین می‌شود و حرکت به سوی تحقق جامعه یادگیرنده (Learning Society) با شتاب و رقابت ادامه دارد. در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان وظیفه افراد در اجتماع را نادیده انگاشت. به وجود چنین مسئولیتی در بند ۱ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، و برخی اسناد منطقه‌ای حقوق بشر^۲، نیز اشاره شده است.

به هر روی، اگر آموزش مداوم افراد و ایجاد آمادگی حرفه‌ای در آنان برای ایفای رسالت اجتماعی خود مهم است و ضروری، که هست، اهمیت این آموزش برای متصدیان برخی مشاغل و عهده داران شماری وظایف، ده چندان است. آنان که به تناسب حرفه خود در معرض سوءاستفاده از قدرت عاریتی خویش‌اند و یا هر گونه خطای حرفه‌ای آنان آثار دهشتناک و غیر قابل جبران دارد، به این آموزشها و هشدارها، نیاز چند برابر دارند. قاضیان، طبیبان و نظامیان از اینانند. حکم شتابان اولی، درمان ناصواب دومی، و فرمان تیر سومی تواند که جان آدمیان را ستاند، و آنگاه چاره چه توان کرد؟!

در ادامه، سخن از نظامیان است و جنگ و از مردمان و آثار زندگی ایشان هنگام فروباریدن تیغ و تیر از هر سو. درینجا که گویی فصل شوم جنگ، در کتاب تاریخ زندگی بشر، بسته شدنی نیست. یکی از دانایان حقوق نوشته است: «از ۳۴۰۰ سال تاریخ شناخته شده، [بشریت] تنها حدود ۲۵۰ سال در صلح عمومی به سر برده است» (ضیایی بیگدلی، ص ۱۰۸). این حکایت تلخ در بند ۸ اعلامیه هزاره سازمان ملل (مصوب اجلاس هزاره ۶-۸ تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰) چنین روایت شده که «بلای جنگ» چه درون دولتها، و چه بین آنها، در دهه گذشته [یعنی دهه پایانی سده بیستم] جان بیش از پنج میلیون انسان را گرفته است. اینک که در مناطقی از جهان نایره جنگ شعله‌ور است و در پاره‌ای از

پاره‌ای مقولات ماهیتی دوگانه دارند؛ هم در شمار حقوق آدمی‌اند، هم در زمره تکالیف او. نمونه این امور دو بعدی را در قوانین موضوعه می‌توان یافت؛ مثلاً ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی مقرر می‌کند: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است». هر یک از این دو جنبه، آثار خاصی دارد؛ برای نمونه نتیجه آن که حضانت تکلیفی بر عهده والدین است، این است که قرارداد راجع به واگذاری یا اسقاط آن، بی‌اعتبار است؛ و نتیجه آنکه حق آنها است، این است که خارج کردن طفل از کشور بدون اجازه آنان، ممنوع است.^۱ افزون بر قوانین، نظریه پردازان نیز مصادیقی از حق - تکلیف را نشان داده‌اند. برای مثال، صاحب نظران در حوزه اخلاق پزشکی بر آن‌اند که «آگاهی از جنسیت جنین حق مادر است، ولی این حق با خود تکلیف نگهداری و حفظ جنین را به همراه می‌آورد» (صنعتی، ۱۳۸۱، ص ۸۵).

می‌توان گفت «آموزش» نیز آمیزه‌ای از حق و تکلیف است. برای حق بودنش، افزون بر آرای اندیشوران، می‌توان به چندین و چند قانون داخلی و بین‌المللی استناد کرد، از جمله: بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، اصل سی، بند ۱ اصل چهل و سوم، بند ۳ همان اصل، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و ماده ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر^۳ (مشهور به بیانیه قاهره مصوب ۱۹۹۰)؛ در پاره‌ای دیگر اسناد بین‌المللی^۴ و منطقه‌ای^۵ نیز بر حق آموزش (The Right to Education) تأکید شده است. برای تکلیف دانستن آموختن، باید به ضرورت‌های اجتماعی، تخصصی - و در برخی زمینه‌های شغلی، مانند پزشکی، فوق تخصصی - شدن امور توجه کرد. هم اینک در کشورهای گوناگون،

آنان که به تناسب حرفه خود
در معرض سوءاستفاده از
قدرت عاریتی خویش اند و یا
هر گونه خطای حرفه‌ای آنان آثار دهشتناک
و غیر قابل جبران دارد، به آموزشها و هشدارها،
نیاز مضاعف دارند. قاضیان، طبیبان و
نظامیان از اینان اند

هم اینک در کشورهای مختلف، مبانی و
راهکارهای توسعه آموزشهای غیر رسمی و
آموزشهای پیوسته به ویژه برای
کارکنان بخشهای استراتژیک و
خدمات عمومی تدوین می‌شود و
حرکت به سوی تحقق جامعه یادگیرنده
با شتاب و رقابت ادامه دارد



گونگونگی برای توجه به این قواعد انسانی وجود دارد. نوع دوستی که هنوز از
بارزترین ویژگیهای ایرانیان است - گرچه گاه تحت تأثیر عواملی نظیر
کاستیهای معیشتی رنگ می‌بازد - اقتضا دارد ما با این مقررات رابطه درونی و
عاطفی داشته باشیم؛ و البته این خصلت نوع خواهی، که سروده مشهور شیخ
اجل سعدی شیرازی، و نیز مهمان نوازی قوم ایرانی دو جلوه بشکوه آن است،
از سویی از اصیلترین آموزه‌ها و پیامهای شریعت اسلام به شمار می‌رود و از
سوی دیگر ریشه در اندیشه و منش و سلوک فتوت‌آمیز نیاکان این ملت دارد.
ملت ما خود، از دشمنان بی‌اعتنا به مقررات انسانی، رنجها بر تن و دردها در دل
دارد، از این رو روا است در گفتار و کردار حامی مقررات و حقوق بشردوستانه
باشد.

برای رسیدن به همین مقصد عالی است که بند ۳ ماده ۳ آیین نامه کمیته
ملی حقوق بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران، مصوب هیئت وزیران، بر
«آموزش و ترویج مفاهیم حقوق بشر دوستانه در میان نیروهای مسلح، عموم
مردم، و در مقاطع مختلف تحصیلی» تأکید دارد. کمیته مذکور با درک ضرورت
ترویج فرهنگ احترام به انسانها، به ویژه آنان که با مصائبی همچون جنگ
مواجه شده‌اند، آموزش و ترویج اصول و مفاهیم حقوق بشردوستانه را در شمار
وظایف انسانی و اسلامی خود دانسته، به اقداماتی در این زمینه دست یازیده
است. به نوشته رئیس این کمیته، ترجمه این کتاب به فارسی روان، یکی از آن
اقدامات است (ر.ک: ص ۶). باید به آنان که با همدلی و تلاش مشترک، این
کار را به سامان رسانده‌اند و کتابی مفید و آموزنده را با ترجمه‌ای روان و
خوشخوان، و ظاهری چشم نواز به نیروهای مسلح و وفاداران به حقوق بشر
دوستانه ارزانی داشته‌اند، دست مریزاد گفت و ترجمه آثار برگزیده دیگر در این
حوزه مهم، اما مغفول مانده، را از آنان انتظار کشید.
اینک نظری می‌افکنیم بر این کتاب خوش سیرت و نیکو صورت.

سرزمینها منازعات مسلحانه، خطر قریب به فعل است، باید کوشید از دامنه این
خطر ریشه‌سوز کاست و راهکارهایی سامان داد که جنگ یا منازعات مسلحانه
هویت فرهنگی و بنیادهای اقتصادی و زیرساختهای اجتماعی ملت تحت تجاوز
نظامی یا اقلیت تحت ستم را یکسره نابود و نیست نکند. این قواعد و مقررات،
که ریشه در تعالیم پیغامبران و حکیمان دارد، از پس سالها تلاش مجدانه
مصلحان و حقوق دانان نوع دوست، در قالب اسناد و معاهدات به تصویب دولتها
رسیده‌اند. نمونه‌ی اعلای این تلاش بشر دوستانه، کنوانسیونهای چهارگانه ژنو،
جملگی مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ است.^۱

نکته مهم دیگر آموزش این مقررات به نیروهای نظامی و پلیس است؛
آنان باید بدانند در شرایط دشوار جنگ و منازعات مسلحانه، شورشهای خیابانی،
و نظایر چنین موقعیتهایی، برای استفاده از نیروی خود چه محدودیتهایی دارند
و در کاربرد سلاحها و امکانات خویش برای رسیدن به اهداف خود (حسب
مورد: آزادسازی خاک اشغال شده وطن یا بازگرداندن آرامش به شهر) چه
نکاتی را باید از نظر دور ندارند. اینجا است که آموزش، یعنی آموختن رموز و
مسئولیتهای حرفه‌ای، افزون بر آن که حق آنان است، تکلیف آنان نیز می‌شود.
برای تأمین همین هدف عالی است که در مواد ۴۷ کنوانسیون اول، ۴۸
کنوانسیون دوم، ۱۲۷ کنوانسیون سوم و ۱۴۴ کنوانسیون چهارم از کنوانسیون
پیش گفته، تصریح شده است: «دولتها موظف‌اند مقررات این قرارداد را، در زمان
جنگ و صلح، در کشور خود اشاعه دهند و به ویژه تدریس آن را در برنامه
آموزش نظامی، و در صورت امکان، در برنامه‌های تعلیمات کشوری بگنجانند،
به طوری که عموم مردم به ویژه نیروهای مسلح شرکت‌کننده در جنگ، و کادر
پزشکی و مذهبی نیروهای مسلح از اصول آن آگاهی کامل داشته باشند».
دولت ایران، به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو پیوسته و متعهد به رعایت مفاد
آنها، از جمله مقررده فوق است. افزون بر این تکلیف حقوقی، در کشور ما دلایل

از برتریهای کتاب آن است که نویسندگان، تجربه فن و دانای به موضوع و آگاه از پیچیدگیهای عملی مسائل این حوزه‌اند. این وضعیت سبب پدید آمدن کتابی استوار و قابل اعتماد شده است؛ بدان پایه که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استفاده از آن را به منزله منبع آموزشی و علمی، به کشورها توصیه می‌کند.

یکی از نویسندگان کتاب، سرلشکر راجرز، از حقوق‌دانان حرفه‌ای اداره حقوقی ارتش بریتانیا، پیش از بازنشستگی در سال ۱۹۹۷، ریاست اداره حقوقی ارتش را بر عهده داشته است. وی از متخصصان حقوق مخاصمات مسلحانه است و با دانشگاههای کمبریج و اسکس، همکاری علمی دارد. ریاست افتخاری انجمن بین‌المللی حقوق جنگ و حقوق نظامی، از سمتهای او است. کتابی از وی، زیر عنوان حقوق حاکم بر صحنه نبرد در سال ۱۹۹۷ درخسید و جایزه گرفت. همکار راجرز در نوشتن کتاب، مالرب، سرهنگ بازنشسته ارتش بلژیک است. وی در قالب مأموریت‌های متعددی از سوی دولت بلژیک، ناتو و سازمان ملل در مناطق جنگ زده و بحرانی جهان، از جمله کنگو، رواندا، یوگسلاوی سابق و آلبانی حضور داشته است.

افزون بر این دو نویسنده، شانزده ویراستار در تدوین کتاب نقش دارند؛ در پیشگفتاری که رئیس کمیته ملی [ایرانی] حقوق بشر دوستانه بر پاریس شده کتاب نوشته‌اند، می‌خوانیم: «این کتاب، همان طور که در مقدمه آن نیز آمده است، توسط پنج تن از حقوق‌دانان برجسته نظامی تألیف...

شده است» (ص ۶). به رغم این اظهار، در مقدمه کتاب (ص ۱۳ تا ۱۵) که از کورنلیو سوماروگا (Cornelio Sommarugah) رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است، به این نکته که کتاب توسط پنج تن تألیف شده، هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. در صفحه حقوق کتاب نیز تنها از راجرز و مالرب، به عنوان نویسندگان کتاب نام برده شده است. به نظر می‌رسد اشتباهی رخ داده است و باید افراد یاد شده در آغاز کتاب (ص ۱۰ و ۱۱) را ویراستاران این اثر بنامیم (همان طور که در آن صفحات هم از این عنوان استفاده شده). شخصیت علمی و حرفه‌ای ویراستاران کتاب نیز در خور توجه است؛ مثلاً سرهنگ غیرنظامی سوئیس، برونو داپلر (Bruno Doppler) از نویسندگان و مدرسان بین‌المللی و فعالان حقوق بشردوستانه است؛ دیگر ویراستاران، هرکدام در یکی از کمیته‌های صلیب سرخ مسکو، ژنو، هرا، گواتمالا، بانکوک، دهلی نو، ساریوو، بوداپست، کیف، تاشکند، دوشنبه، بوینوس آیرس و نایروبی عضویت دارند (ص ۱۰ و ۱۱). گستردگی و تنوع جغرافیایی کشورهای محل خدمت ویراستاران کتاب، سبب شده اتری جامع و کلان‌نگر و برگرفته از تجارب مختلف پدید آید؛ حسنی که کتاب را به معنای واقعی، بین‌المللی کرده است.

نکته توجه‌انگیز آن است که در این فهرست، نام هیچ ایرانی دیده نمی‌شود، در حالی که وقایع جنگ تحمیلی، تجارب مهم و قابل استفاده‌ای در اختیار ما نهاده است، تجاربی که می‌توان از آنها برای پیشگیری از تکرار چنان حوادث تلخی بهره برد. انتقال این آموخته‌ها آثار پیدا و پنهان دیگری نیز دارد، از جمله آنکه مظلومیت ملت ایران، و ددمنشی دشمن تجاوز پیشه و حامیان او در جریان جنگ تحمیلی را در تاریخ ثبت می‌کند و راه را بر آنان که در پی تحریف تاریخ‌اند می‌بندد. برای مثال، در کتاب آمده است: «تجربه جنگ جهانی دوم نشان داد که افراد غیر نظامی از حمایت کافی برخوردار نبودند، چرا که تبعید برای کار اجباری، گروه‌گیری، نگهداری در اردوگاه‌های اسرای جنگی و اخراج دسته جمعی افراد غیر نظامی در سطح وسیعی اتفاق افتاد» (ص ۳۰۳).

ویراستار ایرانی می‌توانست اشاره به تجربه جنگ تحمیلی عراق و دولتهای حامی آن علیه ایران را درخواست کند.

اینک که به هر دلیل درست یا نادرستی و مثلاً به این علت که در متنی بین‌المللی نباید به روابط خاص دو دولت توجه گردد، چنین نشده، یعنی به نقض گسترده حقوق جنگ توسط دشمن متجاوز در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی، هیچ اشاره‌ای نرفته است، پیشنهاد می‌شود کمیته ملی حقوق بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران، خود این اقدام را بر عهده گیرد؛ بدین معنا که ترجمه و نشر کتاب حاضر را آغاز کار تلقی کند و همان طور که در پیشگفتار آمده، آن را «اولین گام مؤثر در آموزش قواعد انسان دوستانه» (ص ۷) بداند. گام بعدی می‌تواند این باشد که کتاب، با همکاری کارشناسان آگاه، با باورقیهای توضیحی و تکمیلی بر اساس وقایع دوران دفاع مقدس بومی شود. این افزوده‌ها، راه تأمین هدف کمیته مذکور، یعنی «آموزش اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه به نیروهای مسلح و سایر علاقه‌مندان به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی» (ص ۷) را نیز هموارتر می‌کند؛ زیرا قاعداً هدف نهایی این آموزش آن است که هر گاه

نیروهای مسلح ایران در شرایط ویژه و بحرانی قرار گیرند خود، مرتکب نقض حقوق دیگران نشوند و حرمت انسانها را نادیده نگیرند. اگر کتاب بتواند آثار مخرب نقض حقوق انسانی توسط دشمنان ایران را در جنگ تحمیلی برای خوانندگان ترسیم کند، در تأثیرگذاری بر بینش و رفتار آنان، و پیشگیری از ارتکاب چنان اعمالی بسی کامیاب خواهد بود. مثلاً کتاب می‌خواهد به خوانندگان،

ممنوعیت استفاده از سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک (ص ۶۷) را آموزش دهد. اگر پس از توضیح مستندات حقوقی، زشتی عملکرد نظامیان دشمن در حلیچه و کشتار عمومی ساکنان بی‌دفاع آن شهر را به خواننده یادآوری کند، توانسته است در خودداری وی از ارتکاب چنین رفتاری، مؤثرتر واقع شود. این کار شدنی و این راه بی‌مردنی است، البته مانند هر پژوهشی که بخواهد اهداف نظری و عملی را یک جا تأمین کند، تلاشی دو چندان می‌برد. همچنین ارائه مبانی دینی حقوق بشر دوستانه، در نهادینه شدن احترام به آنها سخت مؤثر است. اگر نیروهای مسلح بدانند خوشرفتاری با اسیران و اجتناب از صدمه زدن به غیرنظامیان و نظایر این قواعد، برخاسته از شریعت اسلامی و برگرفته از گفتار و رفتار پیشوایان دین است، انگیزه بیشتری برای پایبندی به آنها خواهند داشت؛ زیرا مسئله فرمان الهی و بازخواست متخلفان در روز بازپسین نیز بر انگیزه‌های انسان دوستانه افزوده می‌شود. از این رو، آوردن آیات و روایات مربوط به قواعد حقوق بشر دوستانه در کتاب، زمینه احترام درونی به رعایت آنها را ده چندان می‌کند. آری، در پیشگفتار کتاب (ص ۵) به وجود این آیات و روایات اشاره شده، اما این حد برای تأمین مقصود کافی نیست.

مطالب کتاب در چهار قسمت (که بهتر بود از تعابیر شناخته شده‌تری مانند بخش و گفتار استفاده می‌شد) سامان دهی شده است:

قسمت «الف» (که پس از پیشگفتار رئیس جمعیت هلال احمر و رئیس کمیته ملی حقوق بشردوستانه معرفی نویسندگان و ویراستاران کتاب، مقدمه رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و فهرست تفصیلی آغاز می‌شود) با عنوان «حقوق مخاصمات مسلحانه برای افسران فرمانده» (ص ۲۹ تا ۲۵۷) به لحاظ کمی و کیفی قسمت اصلی کتاب است.

تقسیمات درونی این قسمت چنین است: بخش اول: اطلاعات اولیه - مقدماتی؛ بخش دوم: ادغام حقوق مسلحانه در ارزیابی وضعیت نظامی؛ بخش سوم: هدایت رزم و عملیات نظامی؛ بخش چهارم: مقررات مربوط به واحدهایی

۳) «دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

۴) این بند یکی از ضوابط اساسی نظام اقتصادی کشور را «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات برای تشکیل خانواده برای همه» برمی شمرد.

۵) بند مذکور یکی دیگر از ضوابط اساسی اقتصاد ملی را این گونه بیان می کند: «نظام اقتصادی کشور، به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی، و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد».

۶) بند ۱ این ماده اعلام می دارد: «هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش، لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است، باید مجانی باشد؛ آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد، تا همه بنا به استعداد خود، بتوانند از آن بهره مند گردند». این ترجمه، برابر متن فارسی اعلامیه جهانی حقوق بشر، منتشر شده از سوی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، سال ۱۳۷۶ است.

۷) بند «الف» ماده مذکور مقرر می دارد: «طلب علم، یک فریضه است و آموزش، یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسائل آن را فراهم نموده، و متنوع بودن آن را، به گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تأمین نماید، و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد».

۸) از جمله: مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۹) از جمله: ماده ۳۲ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ ماده ۱۱ منشور اجتماعی اروپا؛ ماده ۱۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر. ۱۰) این ماده مقرر می کند: «هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد». لحن این مقرر، اصل وجود تکلیف فرد در برابر جامعه را مسلم انگاشته، درصد تعیین جامعه و کشوری است که حق دارد از فرد انجام وظایف اجتماعی را مطالبه کند.

۱۱) ماده ۲۷ منشور آفریقایی حقوق بشر: «هر فرد نسبت به خانواده، جامعه، دولت و دیگر جوامع قانونی و جامعه بین‌المللی وظایفی دارد. حقوق و آزادی‌های هر فرد با ملاحظه حقوق دیگران، امنیت اجتماعی، موازین اخلاقی، و منافع عمومی، اجرا می‌شود». ماده ۲۹ همین منشور، برای هر فرد، هشت وظیفه معین کرده که دومین مورد آن چنین است: «خدمت کردن به جامعه ملی با خود، با تمام توش و توان فکری و جسمی».

۱۲) شامل: کنوانسیون اول درباره بهبود وضعیت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح؛ کنوانسیون دوم درباره بهبود وضعیت مجروحان، بیماران و خدمه کشتیهای غرق شده متعلق به نیروهای مسلح در دریا؛ کنوانسیون سوم در مورد رفتار با اسرای جنگی؛ کنوانسیون چهارم در حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ.

در سالهای بعد، فرصت پرداختن به این مسئله پیش آمد که باید از طبیعت و محیط زیست انسانی نیز در برابر خطرات و آسیبهای جنگ صیانت کرد. این توجه به تدوین و تصویب مقررات مختلفی انجامید، از جمله کنوانسیون ۱۰ آوریل ۱۹۷۲ درباره منع گسترش، تولید و نگهداری سلاحهای بیولوژیکی، سمی، و انهدام آنها و کنوانسیون ۱۸ می ۱۹۷۷ درباره منع استفاده نظامی یا دیگر موارد خصمانه از شیوه‌های تبدیل محیط زیست (ENMOD). پاره‌ای از مصوبات در مجموعه مقررات بین‌المللی مربوط به جنگ، به مسئله حفظ میراث فرهنگی می‌پردازد؛ از جمله کنوانسیون لاهه مصوب ۱۴ می ۱۹۵۴ برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه.

منابع:

- ۱- صنعتی، محمد حسین [با همکاری گروهی از متخصصین] (۱۳۸۱) تبیین بینشهای اخلاقی و حقوقی در زیست فناوری (بیوتکنولوژی)، مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۷۳) حقوق جنگه انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی



که با اسیران جنگی سر و کار دارند؛ بخش پنجم: رفتارهای خارج از منطقه نبرد؛ بخش ششم: اشکال خاصی از مخاصمات. قسمت «ب» (ص ۲۵۷ تا ۳۳۳) چنین عنوانی دارد: «چگونه درست بجنگیم؟ اطلاعات تکمیلی».

«آموزش» عنوان قسمت «ج» (ص ۳۳۵ تا ۳۸۷) است. در این قسمت با ارائه مثالها و تمرینها و جداول، اهداف آموزشی کتاب با موفقیت پیگیری می‌شود. همچنین در این قسمت، پس از اشاره به هدف آموزش حقوق مخاصمات مسلحانه (ص ۳۳۸) اصل مهم در این آموزشها مطرح شده است (ص ۳۳۸ تا ۳۴۰).

قسمت «د» زیر عنوان «واژه نامه» (ص ۳۸۹ تا ۴۱۱) فهرست معاهدات و مقالات حقوقی، همچنین تعاریف و آرمهای حمایتی مورد اشاره در متن ارائه می‌کند. از دیگر ویژگیهای در خور توجه کتاب آن است که مطالب را در بندها (پاراگرافها) کوتاه، با شماره‌های پیاپی، و عنوانهای گویا ارائه می‌کند. این مزایا و همچنین فهرست تفصیلی کتاب (ص ۲۱ تا ۲۸) که همه جزئیات را می‌نمایند، موجب شده استناد به کتاب، سهل و آسان باشد و جنبه‌های آموزشی و کاربردی آن به خوبی تأمین گردد.

امید است کتاب با چنان اقبالی روبرو شود که سالی نگذشته، به تجدید چاپ آن نیاز افتد. پیشنهاد می‌شود در آن صورت، پیشتر، متن کتاب بازخوانی شود و پاره‌ای اصلاحات به عمل آید؛ مثلاً در صفحه ۱۲۰ می‌خوانیم: «واحدهای بهداشتی در صورت مشارکت در مخاصمات، حمایت خود را از دست خواهند داد. با این حال حتی در این صورت هم باید قبل از حمله به آنها حجت داده شود». برای دآوری درباره متن و ترجمه، قضاوت در خصوص معادل بایبها، باید اصل کتاب در اختیار باشد، اما می‌توان حدس زد در عبارت مذکور واژه «اخطار» یا «هشدار»، مناسب‌تر از «حجت» باشد.

خداوند!! همه مدافعان کرامت انسانی، گرمی‌ترین داده تو به آدمیان را، یاری‌رسان و آنان را ظفرمند گردان!

پی نوشت:

- ۱) ر. کد کتوزیان، ناصر. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. ذیل ماده ۱۱۶۸، بندهای ۱ و ۵.
- ۲) این بند، «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را از وظایف دولت برمی شمرد».